



معیار انتخاب نماینده سینمای ایران،

برای معرفی به اسکار چیست؟

درباره ساز و کار انتخاب کاندیداها و انتخاب

«فیلم بدون تاریخ، بدون امضا»

برای معرفی به آکادمی اسکار ۲۰۱۹

یادداشت تحلیلی

پژوهشکده هنر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## معیار انتخاب نماینده سینمای ایران، برای معرفی به اسکار چیست؟

دربارهٔ ساز و کار انتخاب کاندیدها و انتخاب  
«فیلم بدون تاریخ، بدون امضا»  
برای معرفی به آکادمی اسکار ۲۰۱۹

یادداشت تحلیلی

پژوهشکده هنر

معیار انتخاب نماینده سینمای ایران،

برای معرفی به اسکار چیست؟

درباره ساز و کار انتخاب کاندیداها و انتخاب

«فیلم بدون تاریخ، بدون امضا»

برای معرفی به آکادمی اسکار ۲۰۱۹

## یادداشت تحلیلی

زیر نظر: پژوهشکده هنر

تهیه و تدوین: امیررضا تجویدی

دبیر میز سینما

سال انتشار: ۱۳۹۷

چاپ در تیراژ محدود

در تاریخ ۱ شهریور ۹۷، خبری با عنوان: «فیلم‌های حائز شرایط برای حضور در اسکار ۲۰۱۹ مشخص شدند» در رسانه‌های کشور منعکس شد که در آن، گزینه‌های مطرح سینمای ایران برای معرفی به آکادمی اسکار معرفی شده بودند. در ۲۳ شهریور ۹۷ نیز خبر انتخاب فیلم «بدون تاریخ بدون امضا» به عنوان نماینده سینمای ایران برای حضور در مراسم اسکار رسانه‌ای شد.

طبق اعلام آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار تمام فیلم‌ها برای کسب شرایط لازم به منظور حضور در شاخه بهترین فیلم خارجی جوایز سینمایی اسکار در سال ۲۰۱۹ باید نه زودتر از تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۷ (۹ مهر ۱۳۹۶) و نه دیرتر از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸ (۸ مهر ۹۷) حداقل به مدت ۷ روز پیاپی در سینماهای کشور مبدا اکران تجاری شده باشند. بر اساس اخبار منتشره، کاندیداهای اعلام شده برای معرفی به آکادمی اسکار عبارت بودند از: «بدون تاریخ، بدون امضا» از وحید جلیلوند، «عصبانی نیستم» از رضا دُرْمیشیان، «سد معبر» ساخته محسن قرایی، «آنسوی ابرها» به کارگردانی مجید مجیدی، «خفگی» به کارگردانی فریدون جیرانی، «خانه دختر» شهرام شاه حسینی، «اسرافیل» از آیدا پناهنده، «لاتاری» به کارگردانی محمد حسین مهدویان، «به وقت شام» از ابراهیم حاتمی‌کیا، «خوک» ساخته مانی حقیقی، «فراری» به کارگردانی علیرضا داوودنژاد، «چهارراه استانبول» از مصطفی کیایی، «دارکوب» به کارگردانی بهروز شعبی، انیمیشن «فیلشاه» ساخته هادی محمدیان، «دلَم می‌خواد» از بهمن فرمان آراء، «تنگه ابوقریب» از بهرام توکلی و «شعله‌ور» به کارگردانی حمید نعمت‌الله. به گزارش «تابناک» هیأت معرفی فیلم ایرانی برای جوایز اسکار ۲۰۱۹ در این دوره با ترکیب آنوسا قلمفرسایی (طراح صحنه و لباس)، محمد آلاذپوش (فیلمبردار)، امین تارخ (بازیگر)، فرهاد توحیدی (فیلمنامه‌نویس)، رامین حیدری فاروقی (مستندساز)، محمدمهدی عسگرپور

## ۲ یادداشت تحلیلی

(کارگردان) و قاسم قلی‌پور (تهیه‌کننده) و رائد فریدزاده (معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی) تشکیل جلسه داد و به بررسی فیلم‌ها پرداخت. سرانجام با تصمیم این هیات، فیلم سینمایی «بدون تاریخ، بدون امضا» به کارگردانی وحید جلیلود، گزینه نهایی ایران و نماینده کشورمان برای شرکت در نود و یکمین دوره جوایز اسکار، انتخاب و به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی معرفی شد. قابل توجه آنکه انتشار اسامی هیات انتخاب، همزمان با انتشار خبر انتخاب فیلم برگزیده در تاریخ ۲۳ شهریور ۹۷ بود.

### در این باره باید گفت:

۱) در نگاه نخست آنچه اهمیت دارد این نکته است که فهرست کاندیداها اگرچه تنوع قابل توجهی دارد، اما معیارها برای انتخاب آثار مشخص نیست. مهمترین عاملی که می‌تواند معیار انتخاب آثار را محک بزند، اسامی کسانی است که به عنوان هیات انتخاب برگزیده شده‌اند. باید توجه داشت که اسامی هیات انتخاب امسال، پس از معرفی اثر برگزیده اعلام شد و نه پیش از آن، و این اتفاق فرصت هرگونه اعتراضی را از سینماگران به ترکیب تیم هیات انتخاب گرفت؛ چرا که اعتراضات محتمل، حتی در صورت مطرح شدن، دیگر تأثیرگذاری نداشت. هم‌چنین عدم توازن افراد حاضر در این تیم نیز بر اساس صبغه کاری‌شان مشخص است. برخی از افرادی که در ترکیب افراد هیئت انتخاب، حضور دارند، سابقه سینمایی روشنی ندارند و قرار گرفتنشان در کنار افراد صاحب‌نظر، ترکیب را دچار شائبه دستوری بودن حضور چنین افرادی می‌کند. برای مثال دلیل حضور افرادی چون آقای رامین حیدری فاروقی، مستندساز<sup>۱</sup> و یا آقای قاسم قلی‌پور به عنوان تهیه‌کننده، باید برای حضور در کنار افراد فعال و حاضر در عرصه سینمای داستانی، تبیین و توجیه گردد؛ چرا که این اشخاص اگرچه در حوزه مستندسازی

---

۱. ایشان گرچه در کارنامه خود، مستندهای برجسته‌ای را ساخته‌اند اما این هیات، مشخصاً مسئول تصمیم‌گیری در خصوص یک فیلم سینمایی داستانی به عنوان نماینده ایران برای معرفی به آکادمی اسکار است لذا سنخیت مطلوبی ندارد؛ هرچند این نیز مغتنم است که به جای ایشان فرد غیرسینمایی در ترکیب قرار نگرفته است.

### ۳ معیار انتخاب نماینده سینمای ایران، برای معرفی به اسکار ...

یا تهیه‌کنندگی سینما فعالیت دارند، اما حضور آنها در هیئت انتخاب که نیاز به استدلال یا نظر کارشناسانه دارد، به سختی قابل توجیه است. این در حالی است که مبنای حضور باقی اعضای هیات قابل تبیین است؛ به طور مثال آتوسا قلمفرسایی به عنوان هنرمندی که به طور مدام در حوزه طراحی صحنه و لباس مشغول به کار است، محمد آلدپوش به عنوان فیلمبردار فعال حوزه سینمای داستانی، امین تارخ به عنوان بازیگر فعال در این حوزه، فرهاد توحیدی به عنوان نویسنده فیلمنامه فعال و از اعضای شورای مرکزی خانه سینما، محمدمهدی عسگری‌پور به عنوان کارگردان فعال حوزه سینمای داستانی و رائد فریدزاده به عنوان معاون فعلی امور بین‌الملل بنیاد فارابی، هر یک قادر هستند به دلیل حضور فعالانه در فضای فعلی سینمای ایران، دیدگاه‌های کارشناسانه‌شان در باب عوامل موفقیت یک فیلم سینمایی را بیان نمایند. اما به طور مثال حضور آقای حیدری فاروقی، به عنوان یک فیلمساز حوزه مستند، برای قضاوت در باره یک فیلم بلند داستانی به منظور معرفی به آکادمی اسکار توجیه چندانی ندارد و نظرات ایشان، می‌تواند با آقای عسگری‌پور به عنوان یک کارگردان فیلم بلند داستانی همپوشانی داشته باشد. یا از سوی دیگر، آقای قلی‌پور نیز اگرچه در تهیه برخی آثار شاخص سینمای ایران چون «عروس آتش» سهم داشته‌اند، اما عدم حضور بلندمدت ایشان در فضای دائماً در حال تغییر تولیدات سینمای ایران، سبب می‌شود تا حضورشان در هیات انتخاب، نیازمند استدلال باشد. البته بحث اصلی بر سر این است که حتی اگر این افراد شایسته حضور در هیات مذکور هستند، بر چه مبنای و چه دلیلی انتخاب شده‌اند؟ این مبانی در صورت تعریف و رسانه‌ای نشدن، مدام به شبهات ذهن سینماگران خواهد افزود و بهانه‌ها برای انتقاد از تصمیم‌گیرندگان این حوزه را افزایش خواهد داد.

از سوی دیگر، یکی از مهمترین مشکلات فهرست کاندیداهای معرفی به آکادمی اسکار، این است که ترکیب آثار نامزد شده بسیار ناهمگن است. به عبارت دیگر اساساً در نظر گرفته نشده که اثر نامزد شده، باید مطابق با معیارهای جهانی و ذائقه اعضای آکادمی اسکار، اثری باشد که اقبال عمومی به موضوع و مفهوم آن وجود داشته باشد. مطابق این نکته که ذائقه جهانی به کدام سمت متمایل است، انتخاب آثاری نظیر **سد معبر**، **خانه دختر**، **لاتاری**، **فراری**، **چهارراه استانبول**، **دارکوب** و **دلم می‌خواد** چندان قابل توجیه



#### ۴ یادداشت تحلیلی

نیست؛ چرا که موضوعات محوری آثار مذکور، تطابقی با دیدگاه‌های جهان‌شمول ندارد و مخاطب هدف آنان، مخاطبی است کاملاً بومی که با گوشت و استخوان درگیر دغدغه مرکزی آنهاست، نه مخاطب بین‌المللی که دغدغه‌هایی گسترده‌تر از مسائل این دسته آثار دارد. بدین ترتیب با انتخاب آثاری از این دست، فرصت بسیار مهم سینمای ایران برای موفقیت در عرصه جهانی به لحاظ موضوعات انتخابی آثار، از دست خواهد رفت. اما در مورد فیلم نهایی معرفی شده به آکادمی اسکار نیز، مهمترین نکته قابل ذکر این است که اثر مذکور، اولاً چه نوآوری ویژه‌ای به لحاظ معرفی جامعه ایران به جهانیان داشته و ثانیاً، به لحاظ معیارهای زیبایی‌شناختی و فیلمنامه‌نویسی تا چه حد اثر قابل بوده است. «بدون تاریخ، بدون امضا» از حیث نوآوری در ارائه تصویر از جامعه ایران، فیلم مبتکرانه‌ای نیست؛ چرا که در ارائه تصویر از شکاف طبقاتی موجود در جامعه ایرانی و تأکید بر یک معضل مرکزی که دو قشر به ظاهر ناهمسوی جامعه را با یکدیگر درگیر می‌سازد، درست تابع همان الگوی روایی و جامعه‌شناختی فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی است که اتفاقاً جایزه بهترین فیلم خارجی آکادمی اسکار را نیز به دست آورد. به عبارت دیگر، زبان هنری فیلم وحید جلیلود، اساساً چیزی به دیدگاه اصغر فرهادی در باب بازنمایی مسائل اجتماعی جامعه ایرانی نمی‌افزاید و حتی در برهه‌هایی از روایت، کاملاً با فیلم مذکور همپوشانی دارد و همین احتمال موفقیت جهانی آن را کاهش می‌دهد. اما از حیث خصلت‌های زیبایی‌شناختی و روایی نیز اگرچه «بدون تاریخ بدون امضا» از سطح میانگین آثار سینمای ایران بالاتر می‌ایستد، اما کماکان از حدی فراتر نمی‌رود. فیلم در مباحث فنی و نشانه‌شناختی مثل استفاده از تصویر برای نمایش مسئله اجتماعی و اجتناب از دیالوگ‌های مطول، اثر موفقی است و از این حیث نمره قابل قبولی می‌گیرد، اما الگوی روایی آن با مشکلاتی روبرو است: به طور مثال دلیل تبدیل شخصیت پزشک فیلم برای پنهان‌کاری اولیه و در نهایت، تبدیل شدنش به قهرمان در انتهای فیلم، بدون توجیه دراماتیک انجام می‌گیرد؛ چرا که او از ابتدای ماجرا در باب علت مرگ کودک تردید دارد و خود را در این باب مقصر می‌داند، اما بدون هیچ منطق دراماتیکی بازگویی واقعیت را به تاخیر می‌اندازد تا فیلم با مصالح اندک داستان‌گویی که در اختیار دارد، در سطح فیلم بلند سینمایی به طول بیانجامد. با این نقاط ضعف در

## ۵ معیار انتخاب نماینده سینمای ایران، برای معرفی به اسکار ...

الگوی روایی، فیلم مذکور قاعداً فرصت چندانی برای برگزیده شدن نخواهد داشت؛ چرا که هر اثر به صورت مجزا توسط اعضای متعدد آکادمی اسکار ارزیابی خواهد شد و در صورت عدم رعایت اصول ابتدایی فیلمنامه‌نویسی، از رقابت باز خواهد ماند. شاید تنها فرصت فیلم وحید جلیلوند، توزیع به نسبت قابل قبول آن در سطح جهان باشد که البته این امر، توجیه کافی برای موفقیت یک فیلم نخواهد بود.

۲) از سوی دیگر، معیار انتخاب آثار به لحاظ سطح کیفی در ساختار روایی و اجرایی نیز مشخص نیست. به طور مثال در طول سالیان اخیر، اساساً در هیچ یک از دوره‌ها -حتی دوره‌هایی که منجر به برنده شدن یا دست کم قرار گرفتن نام فیلم معرفی شده در میان نامزدهای نهایی جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی شده است- هیچ اشاره‌ای بدین نکته نشده است که معیار انتخاب نهایی آثار برای معرفی به آکادمی اسکار به لحاظ سطح کیفی مبتنی بر چه عنصری بوده است. این نامشخص بودن معیار برای سنجش عیار کیفی آثار، همواره منجر به اعتراض و ایجاد سوال در میان فیلمسازانی شده است که اثرشان در میان نامزدهای نهایی بوده اما به عنوان فیلم برگزیده انتخاب نشده است؛ چرا که هیچ پاسخی در باب اینکه چرا اثرشان مردود اعلام شده و از سوی دیگر اثر برگزیده بر مبنای چه شاخص‌هایی انتخاب شده است، دریافت نمی‌نمایند و این دامن زدن هر ساله ستاد انتخاب آثار به شبهات و سوالات ذهنی فیلمسازان، منجر به انتقادات زیادی شده که مهمترین آن، زیر سوال بردن میزان شایستگی سازمان سینمایی برای معرفی فیلم برگزیده بوده است.

### پیشنهاد می‌شود:

سازمان سینمایی با طراحی شیوه‌نامه‌ای جامع در باب شیوه انتخاب آثار برگزیده و انتشار این شیوه‌نامه و مفاد آن در رسانه‌ها، نه تنها از شبهات و اتهامات فیلمسازان سینمای ایران مبرا گردد، بلکه از این طریق سینمای ایران دارای سازوکاری علمی و دقیق برای معرفی آثار به جشنواره‌های جهانی شود که می‌تواند ضریب خطای عمل را نیز به کمترین میزان ممکن برساند. مطابق با معیارهای جهانی سنجش کیفی یک فیلم که توسط منتقدان فیلم در سرتاسر جهان شناخته شده هستند، می‌توان در دو بخش فیلمنامه

## ۶ یادداشت تحلیلی

و اجرا، شاخص‌هایی را در نظر گرفت و سپس شیوه‌نامه را به نحوی تنظیم کرد که از ۱ تا ۵، به عناصر مذکور توسط کارشناسان نمره داده شود. این شاخص‌ها عبارتند از:

### الف) فیلمنامه:

ایده

داستان

ساختار «میزان تناسب ساز و کار رویدادها در پرده‌های اول، دوم و سوم»

پیرنگ

شخصیت

کشمکش

دیالوگ

### ب) اجرا

چینش عناصر نشانه‌شناختی «شیوه توزیع عناصر هم‌نشینی و جانشینی تصویری در الفای مفاهیم»

چینش عناصر زیبایی‌شناختی «نورپردازی، میزانشن، انتخاب زاویه دوربین، انتخاب عدسی و لنز»

منطق تدوین

ترکیب بازیگران

موسیقی

ریتم و ضرباهنگ

بدین نحو می‌توان با طراحی شیوه‌نامه‌ای دقیق، از میزان شبهات کاست که در آن با استفاده از تیمی پژوهشی، ابتدا در روندی تاریخی و علمی، معیارهای برگزیده شدن آثار غیرانگلیسی زبان توسط اعضای آکادمی اسکار واکاوی کردند و بعد مبتنی بر این پژوهش، نامزدهای ایرانی برای معرفی به آکادمی اسکار به نحوی معرفی شوند که هم مطابق با موازین عرفی و قانونی کشور منعی برای اکران جهانی نداشته باشند، و هم

## ۷ معیار انتخاب نماینده سینمای ایران، برای معرفی به اسکار ...

از سوی دیگر، اطمینانی وجود داشته باشد که مبتنی بر پژوهش‌های پیشینی، این آثار از پیش شرط‌های لازم برای معرفی به آکادمی اسکار برخوردار باشند. همچنین علاوه بر ذائقه‌سنجی، باید با استفاده از بارش افکار تعدادی از متخصصان و دست‌اندرکاران سینمای ایران، معیارهایی کیفی به لحاظ روایی و اجرایی، برای انتخاب فیلم سینمایی وجود داشته باشد که هم سازوکار هنری فیلم در نظر گرفته شود و هم قابلیت‌های رسانه‌ای آن برای عرضه و پذیرش جهانی در آن پیش‌بینی شده باشد. سپس مطابق با این شیوه‌نامه، متغیرهایی برای سنجش عیار روایت و ساختار بصری آثار تعریف گردد تا آثار نامزد شده برای معرفی به آکادمی اسکار، ضرورتاً حدی از کیفیت ساختاری و روایی را به عنوان اثری درخور توجه جهانی داشته باشند. این امر باعث می‌شود اعضای هیئت انتخاب، برای سنجش کیفیت آثار، معیارهایی شفاف و واضح را به صورت دستورالعمل لازم‌الاجرا در دستور کار قرار دهند و در نتیجه کوچک‌ترین شبهه‌ای در باب انتخاب آثار بی‌جواب نماند. همچنین، سازمان سینمایی می‌تواند مبانی علمی و مورد تایید خود در مواجهه با آثار سینمایی را بهبود بخشد.



ژوئیه‌شاه فرنگ، بنسرو ارتباطات  
وزارت فرنگ و ارشاد اسلامی